

سیاست‌ها و نظامات مصوب شورای عالی فضای مجازی و مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را اعمال و اجرا نمایند. »

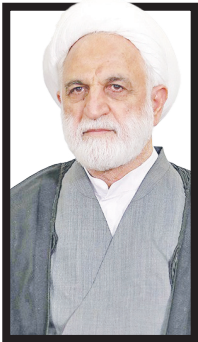
▼مسدوسازی اطلاعات

عملکرد ضعیف دولت‌ها در اجرایی کردن این دو سامانه را نمی‌توان نادیده گرفت اما تمایل به عدم انتشار این اطلاعات فقط محدود به وضعیت این سامانه‌ها نیست؛ مجلس یازدهم در سال ۹۹ طرحی را ارائه کرد که به موجب آن می‌خواست با منسوخ کردن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اختیار انتشار اطلاعات و داده‌ها را از دولت سلب و در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. طرح «الزام به انتشار داده و اطلاعات» دسترسی شهروندان به داده‌های عمومی را یک لایه به عقب رانده و سخت‌تر می‌کرد، چراکه در صورت نهایی شدن دسترسی آزاد به اطلاعات را در اختیار «شورای عالی نظارت بر انتشار اطلاعات» که ذیل قوه قضائیه است قرار می‌داد. بازگذاری داده‌ها و اطلاعات باید با مجوز این شورا انجام و بازگذاری داده‌ها و اطلاعات در سامانه‌ها یا تارنماهایی که از شورا مجوز دریافت نکرده‌اند ممنوع می‌شد. استدلال ۳۲ نماینده امضاکننده این طرح این بود که تعیین نهاد ناظر و متولی نظارت بر داده و اطلاعات و چگونگی دسترسی آزاد افراد جامعه به اطلاعات بوده است که قوانین شفاف و جامعی ندارد. نمایندگان امضاکننده این طرح معتقدند، نبود متولی خاص در خصوص انتشار داده‌ها، اطلاعات را در اختیار گروه‌هایی قرار می‌دهد که تهدید جدی برای حریم خصوصی افراد بوده و زمینه‌های فساد، جاسوسی و تهدید را فراهم می‌کنند. البته این طرح با وجود اعلام وصول به تصویب نرسید و هنوز همان قانون ۱۳۸۷ اساس کار فعالیت نهادهای مختلف است. در سال جاری، تصویب لایحه دوفوریتی «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع» مصداق کاملی از نقش دسترسی آزاد به اطلاعات در نظارت بر عملکردهای اداری بود. در این لایحه «هرگونه عرضه محتوا در فضای مجازی برای اشخاص نامحدود به‌نجوی که بدون نیاز به پرداخت یا خرید اشتراک بتوانند محتوای عرضه‌شده را ببینند، بشنوند و دریافت کنند»، یا هر محتوایی که «ماهه‌آزایی در واقعیت نداشته یا شکل تحریف‌شده‌ای از یک واقعیت یا انعکاس ناقص واقعیت مانند پنهان کردن عمدی بخش‌هایی از آن باشد» مشمول «محتوای خلاف واقع» در نظر گرفته و به عبارتی برای هر فردی با هر دلیلی امکان مجازات فراهم شود. پس از تصویب دوفوریت این لایحه در مجلس و انتشار جزئیاتی از محتوای آن، اعتراضات گسترده‌ای از سوی وکلا، حقوق‌دانان، نهادهای مدنی و مردم شکل گرفت و در نهایت دولت لایحه مزبور را از مجلس بازپس گرفت.

با این حال خلأهایی که در ساختار حقوق اداری ایران در زمینه دسترسی آزاد به اطلاعات وجود دارد، هیچ تضمینی برای ادامه پیدا کردن چنین رویکردی که در دولت‌های جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود را ندارد، به‌ویژه آنکه براساس نتایج برخی پژوهش‌ها این اقدام دولت‌ها در عدم انتشار اطلاعات ریشه‌ای تاریخی نیز در خود دارد. براساس نتایج یک پژوهش که به «بررسی آزاد دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا» پرداخته است، حقوق اداری ایران در زمینه دسترسی آزاد به اطلاعات توسعه چندانی نیافته است و قوانین اداری زیادی در این زمینه وجود ندارد و قوانین موجود نیز با احتیاط به این موضوع پرداخته‌اند. از دیدگاه پژوهش دیگری که استاید ارتباطات و اصحاب رسانه پاسخگوی آن بودند و چالش‌های انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بررسی شد، مشخص گردید که دلایل متعددی برای مقاومت دولتمردان ایرانی در انتشار آزاد اطلاعات وجود دارد؛ از جمله فرهنگ پنهان‌کاری که ایرانی‌ها به بهانه دشمنی و تحولات متعدد خاورمیانه و تحریم‌های بین‌المللی و به‌نام امنیت و پاسداری از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور به کام حفظ قدرت و موقعیت خود، اطلاعات را تا جایی که ممکن است از دسترس عموم دور نگه می‌دارند.

▼دموکراسی اداری محقق نشد

با گذشت نزدیک به یک دهه از راه‌اندازی سامانه انتشار آزاد اطلاعات و بیش از ۱۵ سال از تصویب این قانون، که هم‌زمان با روی کار آمدن شش دولت از دوران محمود احمدی‌نژاد تا مسعود پزشکیان است، اما شفافیت و انتشار آزاد اطلاعات در ایران همچنان از محدودیت‌های بنیادی است و کشور از عدم نظارت بر اجرا که منجر به اجرای فرمالیته قانون شده است هم رنج می‌برد. دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران ضمانت اجرایی ندارد و عملاً در برابر انتشار اطلاعات و گردش آزاد آن مقاومت می‌شود و در دو حوزه امنیت ملی و حریم شخصی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. مردم هنوز حتی امکان دسترسی آزاد به داده‌های مالی و هزینه‌کرده‌ها را هم ندارند و تنها منبع قابل استناد مطبوعات هستند. نامه اخیر دیده‌بان شفافیت و عدالت نیز مؤید این واقعیت است که اجرای قوانین مربوط به شفافیت و تبادل داده‌ها دارای ایرادات اساسی است و رئیس هیات مدیره این سازمان خواستار اقدام قضایی نسبت به دستگاه‌هایی شد که از اجرای قوانین مربوط به شفافیت و تبادل داده‌ها خودداری می‌کنند. در این شرایط نبود عزم جدی در نظارت بر توزیع و انتشار داده‌ها در سامانه‌های عمومی، دموکراسی اداری در ایران را با ناکامی‌های گسترده‌ای روبه‌رو کرده است. چراکه شفافیت و آزادی در دسترسی به اطلاعات در ارتباط تنگاتنگ حق مشارکت در امور عمومی و اداره کشور، زمینه‌ساز دموکراسی اداری است. مردم برای مشارکت آگاهانه در سرنوشت کشور نیاز به اطلاعات شفاف و روشن دارند (همانگونه که اعمال فشار نهادهای مردمی، کارشناسان و جامعه مدنی منجر به بازپس‌گیری لایحه پرچالش انتشار اخبار جعلی شد) و بدون این اطلاعات امکان نظارت بر عملکردها مختل خواهد بود. در این شرایط حرکت بر مسیر شفافیت، بازنگری در عملکردهای دولتی و تلاش برای انتشار آزاد اطلاعات ضروری است.



سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت، در نامه‌ای رسمی به رئیس قوه قضائیه، نسبت به وضعیت نابسامان بسیاری از سامانه‌های خدمات عمومی و قضایی کشور هشدار داد و خواستار اقدام قضایی نسبت به دستگاه‌هایی شد که از اجرای قوانین مربوط به شفافیت و تبادل داده‌ها خودداری می‌کنند

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به اینکه در حال حاضر راه دسترسی آزاد به اطلاعات از طریق مجلس و صداوسیما مسدود است، معتقد است نقش رسانه‌ها در این میان پررنگ است و مردم باید از طریق مطبوعات مطالبه‌گر باشند.

«با روی کارآمدن دولت چهاردهم شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

آنهايي که مخالف آقای پزشکيان و رای دادن هستند، می‌گویند هیچ اتفاقی نیفتاده و هیچ گامی برداشته نشده است، اما در واقعیت معتقدم که خانه‌تکانی و کار خاصی نکرده است، اما در عین حال بخشی از انتصاباتی که صورت گرفت و تغییراتی که به وجود آمد را نمی‌توان نادیده گرفت. کافی است چشمان‌مان را ببندیم و به تیر ۱۴۰۳ برگردیم و ببینیم که آقای جلیلی رئیس‌جمهور شده بود و آن‌وقت وضع کشور در زمینه‌های مختلف از شفافیت گرفته تا مطبوعات و حجاب و... را می‌دیدیم. تکرار می‌کنم که آقای پزشکيان اقدامات منحصربه‌فردی انجام نداده است، اما نمی‌شود هم رویکردها را نادیده گرفت. بعلاوه که پزشکيان می‌خواهد کارهایی انجام دهد و گام‌هایی در جهت توسعه سیاسی، ارتقای وضعیت مطبوعات و سانسور و... بردارد، اما باید یادمان باشد که بخش‌های حاکمیتی کلاً در دست جناح راست است و ایشان آنقدری قدرت ندارد که بتواند در برابر بخش‌های تندرو موجود در حاکمیت بایستد.

«دسترسی آزاد به اطلاعات در اعتماد عمومی مردم به دولت و حاکمیت چه تأثیری دارد و اگر مردم آزادانه به اطلاعات موجود دسترسی داشته باشند می‌تواند منجر به چه تغییرات سیاسی شود؟

واقعیت این است که نظام ما یک نظام بسته است و در این شرایط دسترسی به بسیاری از اطلاعات سیاسی، غیرسیاسی، اقتصادی، اجتماعی چندان آزاد نیست و صاحبان قدرت

صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه:

آزادی اطلاعات به ضرر تندروهاست

نمی‌گذارند که دسترسی آزاد به اطلاعات رقم بخورد. این موضوع قابل فهم است چراکه اگر اطلاعات آزاد باشد و همه بتوانند دسترسی داشته باشند، تندروها چطور می‌توانند از عملکرد خود دفاع کنند؟ بنابراین همین که دسترسی نداشته باشند و اطلاعات در اختیار مردم قرار نگیرد، همین شرایطی که تا الان بوده در جریان خواهد بود.

«این مطالبه‌گری و تغییر رویکردها برای رسیدن به اطلاعات چگونه باید شکل بگیرد؟

مجلس که عملاً برای اینکه این مطالبه‌گری شکل بگیرد تعطیل است، صداوسیما نیز به همین صورت است و شرایطی که مردم بخواهند این خواسته درست خود را برای دسترسی به اطلاعات مطالبه کنند را فراهم نمی‌کند. ائمه جمعه از تریبون‌های نماز جمعه نیز چنین مطالبه‌گری‌ای را به نمایندگی از مردم ندارند. در چنین شرایطی تنها روزنه امید باقی‌مانده مطبوعات هستند و آنها هستند که می‌توانند بخشی از این مطالبه را احیا و با پرسشگری و تحقیقات درست و اصولی، مردم را بی‌طرفانه به اطلاعات آزاد و شفاف برسانند. هرچند که مطبوعات نیز با کوچک‌ترین حرکتی تحت برخوردهای قضایی قرار می‌گیرند. در واقع ارکان قدرت چندان تمایلی ندارند که مردم به اطلاعات شفاف برسند. آنها نمی‌خواهند که جامعه در معرض عملکرد آنها قرار بگیرد.

این تغییر و مطالبه باید از طریق مطبوعات و فضای مجازی شکل بگیرد، چراکه تنها این دو مسیر هستند که اکنون راه باریک آزادتری را فراهم می‌کنند و مطالبه‌گری برای رسیدن به اطلاعات شفاف و آزاد در حال حاضر از طریق مجلس که میسر نیست، صداوسیما هم همین‌طور و باید از همین دو فضا انتظار بروز و ظهور تغییرات را داشت.



چند نمونه از گردش آزاد و غیرآزاد اطلاعات

آزاد اطلاعات و شفافیت را تضمین می‌کند، و هم اسناد منابعی بسیار مهمی در حوزه‌های پژوهشی هستند. حتی اسناد طبقه‌بندی‌شده هم با سازوکاری مشخص، قابلیت انتشار دارند چراکه به شدت از لحاظ تاریخی حائز اهمیت هستند. شاید توجه به این نکته جالب باشد که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر آمریکا، انتشار اسناد پرورده قتل جان اف. کندی، رئیس‌جمهور این کشور که در سال ۱۹۶۳ ترور شد، یکی از وعده‌های دونالد ترامپ در مبارزاتش بود. در نهایت هم فرودین امسال در مجموع بیش از ۶۰ هزار صفحه اسناد محرمانه این پرورده به صورت عمومی منتشر شد. شاید بخش‌هایی از اسناد همچنان در طبقه‌بندی بماند، اما مانعی برای انتشار بقیه بخش‌های آن ایجاد نمی‌شود. اسناد منتشر می‌شود و قطعاً جنجال هم می‌سازند. یک نمونه دیگر حتی بیشتر به ایران مربوط بود. سال ۱۳۹۶ اسناد وزارت امور خارجه آمریکا درباره کودتای ۲۸ مرداد از حالت محرمانه خارج و منتشر شد که در دسترس پژوهش‌گران قرار گرفت و بخش‌هایی از این پرورده را مشخص کرد. در حالی که برای مثال، در داخل کشور ما همچنان برخی اسناد مربوط به سال‌های پیش از انقلاب در اختیار پژوهشگران نیست. در چنین وضعیتی، طبیعی است که اسناد مربوط به پرورده تاریخی انفجار مقر نخست‌وزیری در ۸ شهریور ۱۳۶۰ چه وضعیتی دارد. این نبود تمایل به انتشار اسناد تاریخی در کشور ما مشتی نمونه خروار است که می‌تواند بخشی از آنچه مانع گردش آزاد اطلاعات می‌شود را به تصویر بکشد.

گفتار سیاستمدار



به دیپلماسی تنظیم‌شده نیاز داریم

غلامحسین کرباسچی، در گفت‌وگو با اقتصادنیوز در پاسخ به این سوال که «برخی معتقدند اولویت باید حل‌وفصل تنش‌های بین‌المللی باشد و برخی اصلاحات اقتصادی را ضروری می‌دانند. شما کدام را اولویت می‌دانید و چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟» گفت: «همه این‌ها به هم پیوسته‌اند و نمی‌توان یکی را بر دیگری اولویت داد. اصل مسئله برای هر دولتی در وهله اول، زندگی، رفاه و آسایش مردم است. مشکلات زندگی و رفاه مردم در شرایط فعلی ریشه اصلی‌اش در تحریم‌هاست. ما در تنش با دنیای خارج هستیم؛ هم با آمریکا و اروپا و هم به شکل دیگری با همسایگان. دیگران هم اگر بخواهند روابطشان را با ما تنظیم کنند، ممکن است روابطشان با دنیا دچار مشکل شود و حاضر نباشند با ما همکاری کنند.» او ادامه داد: «هرچند به صورت شفاهی حرف‌هایی می‌زنند یا تعارف می‌کنند، اما واقعیت این است که حاضر نیستند روابط اقتصادی، صنعتی و فنی با ایران برقرار کنند. دلایل هم این است که برای آن‌ها اصل، زندگی مردم و منافع ملی خودشان است و حاضر نیستند این منافع را برای ایران به خطر بیندازند. ریشه اصلی مشکلات، وحدتی است که از نظر بین‌المللی علیه ما ایجاد شده. علاوه بر این، مشکلات مدیریتی و روردر بایستی‌هایی نیز وجود دارد و مابه‌چیزی که اعتقاد داریم، به صورت شفاف عمل نمی‌کنیم. همه این‌ها دست به دست هم داده و وضعیت کنونی و نارضایتی مردم را به وجود آورده است.»

کرباسچی درباره اولویت داشتن سیاست خارجی بر اصلاحات اقتصادی گفت: «اساساً دیگر اقتصاد به آن معنا وجود ندارد. در جهانی که چند قدرت اقتصادی با تحریم، تهدید و فشار، بقیه کشورها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، چین هم وقتی پای هژمونی آمریکا و اروپا مطرح باشد، سیاست‌هایش را با شرایط تطبیق می‌دهد. ضمن اینکه نمی‌خواهد خود را در تنگنا بیندازد و نهایتاً روابطش را طوری تنظیم می‌کند که منافع ملی‌اش حفظ شود. ما که اقتصادمان نسبت به اقتصاد دنیا حجم کمی دارد، با این وضعیت نمی‌توانیم حرفی از ادامه حیات بزنیم، چه برسد به اصلاح اقتصاد.»

او در پاسخ به این سوال که «چین را مثال زدید که سیاست خارجی‌اش را بر اقتصادش بنا کرده. منظورتان این است که سیاست خارجی ایران هم باید چنین جهت‌گیری‌ای داشته باشد؟» گفت: «حرفم این است که ارتباط باید تنظیم شود. این ارتباط لزوماً با علاقه یا تحسین همراه نیست. چین نه به آمریکا خوش‌بین است، نه علاقه دارد و نه منطبق، روش و نوع حکومت‌داری آن را می‌پذیرد. آن‌ها فقط فرهنگ، اقتصاد و شیوه حکمرانی خود را معتبر می‌دانند، اما می‌دانند که در دنیای کنونی، تسلط اقتصادی، نظامی و سیاسی آمریکا به گونه‌ای است که برای حفظ منافع ملی، باید روابط را طوری تنظیم کنند که منافع‌شان حفظ و مدیریت شود.» او ادامه داد: «اگر ما در شرایطی باشیم که آمریکا با تمام قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی خود مقابله کند، هم اقتصاد و هم روابط بین‌الملل ما شدیداً آسیب می‌بیند. در چنین وضعی اساساً چیزی به نام «اقتصاد» به شکل قابل اتکا باقی نمی‌ماند و اما همه حیات کشور دچار مشکل می‌شود، چه برسد به اصلاحات.» کرباسچی همچنین گفت: «چین راهکار را مثال زدم که جزو چند اقتصاد بزرگ جهان است، اما حتی با همه توان اقتصادی خود، برای حفظ منافع ملی، رشد اقتصادی و گردش مالی مناسب، مجبور است روابطش را طوری تنظیم کند که این شاخص‌ها حفظ شود. ما که اقتصادمان قابل مقایسه با اقتصاد چین نیست، چگونه می‌توانیم اصلاحات اقتصادی را بدون داشتن یک روابط بین‌الملل تنظیم‌شده بر اساس منافع ملی انجام دهیم؟»

او در پایان گفت: «به‌هر حال من اعتقاد دارم بدون داشتن روابط بین‌الملل تنظیم‌شده و ارتباط با دنیای صنعتی و پیشرفته - چه اروپا، چه آمریکا و چه حتی چین- نمی‌توانیم اقتصاد سالم داشته باشیم. برای انجام اصلاحات اقتصادی حتماً باید اقتصاد سالم داشته باشیم. وقتی نمی‌توان دخل و خرج را مدیریت کرد، اصلاحات دیگر معنا ندارد، مخصوصاً با دهان‌های باز نسبت به دولت و بودجه که دولت نیز قادر نیست مقابل آن‌ها بایستد و بودجه را طوری تنظیم کند که منافع و زندگی مردم بهتر شود. نهایتاً کار دیپلماسی و سیاست خارجی همین است؛ در عین مواجهه با شرارت‌های دیگران، روابط را طوری تنظیم می‌کند که منافع ملی حفظ شود.»